

معرفی اسناد وزارت امور خارجه موجود در سازمان اسناد ملی ایران (۱)

بدهی عضدالملک به بانک های خارجی

محمدحسین منظورالاجداد

عضدالملک در سال ۱۳۰۹ ق. - در ماجرای شورش مردم برضد امتیازنامه تنباکو - واسطه دربار و علما بود و در آغاز انقلاب مشروطیت نیز همین نقش را داشت^۱ و مأمور بازگرداندن علما از قم گردید. پس از خلع محمدعلی شاه، وی به عنوان نایب السلطنه احمدشاه برگزیده شد؛ و به هنگام مرگ - در ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ ق. - در همین سمت باقی بود^۲ و پس از وی ناصرالملک عهده دار این منصب گردید.

عضدالملک از ثروت مندان ایران محسوب می شد و چنان که گفتیم در ایام حکومت بر مازندران املاک بسیار به دست آورده بود قیمت املاک او را - در سال های آغازین سلطنت مظفرالدین شاه - هفتصد و سی هزار تومان تخمین زده اند و نوشته اند که او از آن محاسباتی چهار و پنج هزار تومان درآمد داشت^۳. وی از ثروت خویش خوبی محافظت می کرد. اعتمادالسلطنه از شهرت فراوان وی خست و امساک یاد کرده و شنیده است که: «عضدالملک حاجی لله پسر خود را برای چهار تومان طلب که داشته در زیر گاو سر کش است؛ و هیچ فریادرسی هم پیدا نشد که دیه او را گرفته، به ورثه برساند.»^۴

به رغم آن همه دارایی و این همه اهتمام در حفظ آن، چو عضدالملک بمرد، بنا بر گزارش رسمی دیوان محاکمات وزارت امور خارجه «معادل یک صد هزار تومان» بدهی به بانک های شاهنشاهی و استقراضی برجا گذاشت^۵؛ که از این میان سه بانک شاهنشاهی - تا بیست و هشتم ذی الحجه سال ۱۳۲۸ ق. - چهار و شش هزار و نهصد و هفتاد و شش تومان بود^۶؛ و چون ورثه او تأدیة این بدهی کوتاهی کردند، با بهره ۱۵ درصد - کل قروض نایب السلطنه متوفی به بانک مذکور، تا تاریخ ۱۸ رجب ۲۹ قمری - به پنجاه هزار و نهصد و بیست و سه تومان و سه هزار در رسید^۷. اسناد موجود در خزانه سازمان اسناد ملی ایران، اگر

علی رضاخان عضدالملک از بستگان مهد علیا همسر محمدشاه، از بین قاجاران به نیک نهادی، تقدس، و سادگی شناخته شده است^۱. وی در سال ۱۲۶۳ ق. زاده شد^۲ و در نوجوانی - به گاه سلطنت ناصرالدین شاه - جزو غلام بچگان درباری درآمد و «در عزل میرزا آقاخان صدراعظم، او و جمعی به اتهام خبر بردن جهت میرزا آقاخان چوب خوردند و اخراج شدند. بعد به واسطه قرابت با مادر شاه، دوباره او را آوردند.»^۳ پس از چندی وی ابتدا غلام بچه باشی - رئیس خانه شاگردهای دربار - و سپس پیش خدمت خاصه شاه شد و با همین سمت - در سال ۱۲۸۴ ق. - مأمور حمل خشت های طلا برای مظلا کردن گنبد «امامین همامین عسکرین» گردید، و این مأموریت را به خوبی انجام داد و «یک ثوب سرداری ترمه تن پوش اعلی» از شاه جایزه گرفت^۴.

در سال ۱۲۸۵ ق. علی رضاخان، ملقب به عضدالملک گردید و در همان سال منصب مهربرداری شاه به وی تفویض گشت^۵. در سفر شاه به عتبات از متلزمین رکاب بود (۱۲۸۷ ق.) و پس از چندی نظارت آشپزخانه شاهی بر عهده او قرار گرفته، به عنوان حاکم مازندران نیز تعیین شد و در طی مدت حکومت، صاحب املاک مرغوبی در آن خطه گردید.

در سال ۱۲۹۰ ق. - هنگام انجام نخستین سفر شاه به فرنگ - از همراهان بوده در همین سال به ایلخانی گری ایل قاجار برگزیده شد. وی از مخالفین میرزا حسین خان سپهسالار بود و در برانداختن او از صدارت نقش داشت^۶.

در سال ۱۲۹۵ ق. - به همراه شاه - دو تین سفر فرنگ را به انجام رساند. در سال ۱۳۰۲ ق. مهدی قلی مجدالدوله به جای او خوان سالار شاه شد. ریاست صندوق عدالت در سال ۱۳۰۴ ق. بر عهده عضدالملک قرار گرفت؛ نما شاه پس از بازگشت از سفر سوم فرنگ، منصب مهربرداری را از وی گرفت و به عزیزالسلطان داد^۷.

کامل نیست. تصویری از تلاش دو ساله وزارت امور خارجه، برای آذینه وجوه این بدهی به بانک‌ها ارائه می‌دهد.

عضدالملک از سه همسر خود چند پسر و چند دختر داشته، پسر رشدش امیرسسیمان‌خان خازن‌السلطنه، و پسر کوچکش امیر مصطفی‌خان میرسیمانی، - ملقب به سالارالسلطان - بود؛ که پس از درگذشت میرزا احمدخان مشیرالسلطنه، لقب او را گرفت و ملقب به مشیرالسلطنه شد.^{۱۵}

از پسران عضدالملک امیرعباس‌قلی‌خان سردار مخصوص - که طبق اسناد موجود مبالغی به مغازه کنتوار فرانسه مدیون بود - در سال ۱۳۲۶ ق.، به سالارالسلطان را وکیل خود کرد و برای معالجه به اروپا رفت و چون معالجات در مورد او مفید واقع نشد، در بیمارستانی در لژریک فوت نمود.

محمد ظهیرالسلطنه پسر دیگر نایب‌السلطنه متوفی - که با کرم‌الدوله - دختر میرزا فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان ازدواج نمود^{۱۶} و اسناد بدهی او به بگمز تاجرباشی عثمانی، بابت قیمت لباس و کفش و جای و شراب، در سازمان اسناد موجود است، در وضعیتی بوده که میرزا ابوطالب زنجانی، یکی از مجتهدین وقت، همسرش کرم‌الدوله را به عنوان قیمه او تعیین نمود^{۱۷}. و سر و کار محاکمات پیش از ظهیرالسلطنه با همین زن بود که ظاهراً با سایر ورثه عضدالملک اختلاف داشته است.

از دختران عضدالملک، یکی همسر میرزا احمدخان علاءالدوله بود، دختر دیگر او مریم‌خانم، به عقد ازدواج سالار امجد درآمده، دختر سوم او، افخم‌الدوله، زن نصرالملک بوده و ارفع‌الدوله، دختر چهارم، هنگام تقسیم ارث شریک سالارالسلطان شده است.

چون دیوان محاکمات وزارت امور خارجه، جهت وصول مطالبات بانک‌ها از ورثه اقدام نمود، از میان تمام ورثه سر و کارش با این چند نفر افتاد: خازن‌السلطنه، سالارالسلطان، رکن‌السلطان، کرم‌الدوله، ارفع‌الدوله، افخم‌الدوله و عیال سالار امجد.^{۱۸}

برطبق اسناد موجود، نخستین بار بانک شاهنشاهی در تاریخ هشتم محرم الحرام سال ۱۳۲۹ ق. صورت مطالبات خود از عضدالملک را به محاکمات ارائه نمود و چنین پیداست که محاکمات، همین دعوی بانک را به اطلاع ورثه نایب‌السلطنه رسانده است. ورثه مذکور - پیش از ادای دیون متوفی - به تقسیم ماترک اقدام نمودند و همه دشواری‌ها از همین جا پدید آمد.

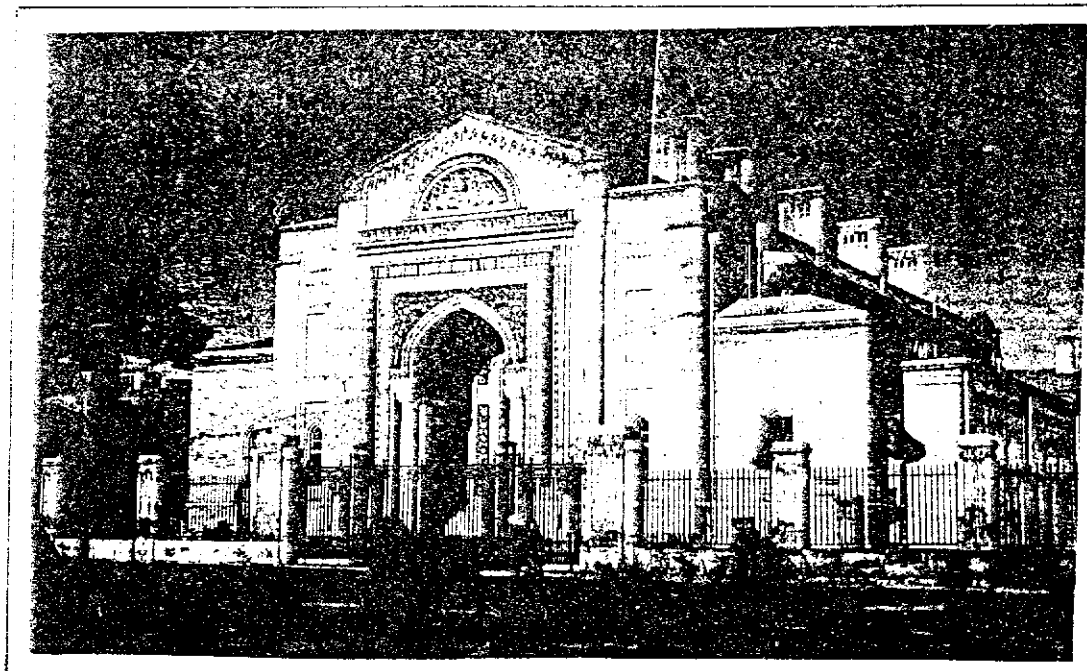
شهادت‌نامه مکتوب شیخ‌المشایخ - که ظاهراً برای اکرم‌الدوله، عروس عضدالملک نوشته شده - حاکی است که قرار تقسیم املاک متوفی، در منزل حاج امام جمعه خویی نهاده شد. ارزش کلیه

املاک نایب‌السلطنه، سوای عمارات را به چهارصد و بیست هزار تومان تخمین زدند و پس از پرداخت هفت هزار تومان به عنوان «ثمنیه» به والده رکن‌السلطان، براساس تخمین سابق‌الذکر، و با تسهیم به چهارده حصه، هریک از ورثه مطابق شرع، سهم خود را از املاک دریافت نمود و از میان ورثه کسانی که سهم بیش‌تری برداشته بودند، موظف به تأدیه بخشی از قروض عضدالملک - که دامنگیر سایر وراثت می‌شد می‌گردیدند. هر سهمی معادل سی هزار تومان منک ارزیابی شد و هریک از پسران ۲/۵ سهم و دختران نیمی از این مقدار سهم داشتند.

برای مثال سهم مصطفی‌خان سالارالسلطان از املاک، معادل



عضدالملک



مجلس شورای ملی

۷۵۰۰۰ تومان می‌شد؛ که او با مشارکت خواهرش ارفع الدوله، می‌بایست معادل یک صد و دوازده هزار و پانصد تومان منک قبول کند. اما او و خواهرش جمعاً معادل یک صد و بیست هزار تومان، از املاک، سهم بردند و پذیرفتند که «هفت هزار و پانصد تومان از قروض سایرین قبول نموده، ادا نمایند. و هکذا آقای نصرالملک که به وکالت متعلقه خودشان — سرکار افخم الدوله — می‌باید سی و هفت هزار و پانصد تومان ملک انتخاب نمایند. نجم‌آباد را به چهل هزار تومان انتخاب و قبول کرد که دو هزار و پانصد تومان از قروض وارثی که کم‌تر سهم برده است بپردازد» در این میان به اکرم الدوله — که بابت سهم ظهیرالسلطنه — می‌بایست معادل ۷۵۰۰۰ تومان ملک سهم ببرد — بیش از شصت هزار تومان ملک نرسید و سایر وراثت قبول کردند که «پانزده هزار تومان کسر سهم را از سهم قروض آقای ظهیرالسلطنه قبول نموده، ادا کنند»، املاک سهمی امیرسلیمان خان خازن السلطنه نیز بیش از شصت و هفت هزار تومان، ارزش نداشت و سایر ورثه پذیرفتند که معادل هشت هزار تومان از سهم قروض وی را بپردازند.^{۱۹}

به نظر می‌رسد در همان مجلس قرار شده که هیچ‌یک از ورثه — تا پیش از تأدیة بدهی عضدالملک به بانکها — دخل و تصرفی در املاک سهمی خود ننمایند، اما از خیلال پاسخ تلفنی حاج امام جمعه خوبی به اکرم الدوله، چنین پیداست که برخی از آنان به این تعهد پای بند نمانده‌اند.^{۲۰}

تختین مشکل پیش روی محاکمات، همین بود که املاک عضدالملک در میان این تعداد از ورثه وی تقسیم شد. دومین مشکل

از آنجا برخاست که برخی از ورثه، به عذر نامشخص بودن مقدار سهم آنان از قروض متوفی، از پرداخت سهم خود از این بدهی سر باز زدند. در رمضان سال ۱۳۲۹ ق. خازن السلطنه یک بار بهانه آورد که گرفتار برگزاری مراسم سالگرد فوت عضدالملک است. بار دیگر به این عذر متوسل شد که حساب بدهی نزد سالارالسلطان است و او می‌بایست سهم وی را تعیین کند. از محاکمات به وی نوشتند که علاوه الدوله «سهمی خودشان را به اضافه تنزیل — از ۱۸ رجب تا ۱۸ رمضان — پرداختند و لازم است حضرت عالی هم سهم خودتان را بپردازید و موقوف به تعیین کردن جناب آقای سالارالسلطان نفرمائید و چنانچه از طرف آقای سالارالسلطان رسیدگی به عمل آمد و از آن مبلغ کمتر سهمی حضرت عالی را معین کردند، وزارت خارجه با تنزیل آن اضافه را به حضرت عالی خواهد پرداخت. مقصود این است که بیش از این راضی نشوید [که] وزارت امور خارجه در زحمت باشد.»^{۲۱} اما پاسخ مورخه ۲۵ صفر سال ۱۳۳۰ ق. او نشان می‌دهد که به تعهد وزارت خارجه اعتنایی نکرده، خواستار آن است که «نمایندۀ بانک را با سند» احضار نمایند؛ تا پس از رسیدگی، بدهی بانک را بپردازد. سالار امجد داماد نایب السلطنه هم اظهار می‌داشت که «تا قرار لازم در خصوص ارثیۀ من داده نشود، نمی‌توانم به مقام پرداخت مضامینات بانک برآیم». نصرالملک نیز بهانه‌هایی مشابه می‌آورد، لذا محاکمات مجبور شد که مجنسی مرکب از کلیة ورثه و حاج امام جمعه خوبی ترتیب دهد، یکی از این مجالس، «حسب الامر والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه [ناصرالملک] دامت عظمت» قرار بود، در روز دوشنبه نوزدهم

ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق. تشکیل شود. حاج امام جمعه خوبی - که دعوت نامه شرکت در این مجلس برای او فرستاده شده بود - نوشت: «عرض می شود رقعہ محترم رسید تقاضا فرموده اید روز دوشنبه دو ساعت بعد از ظهر در قصر ایض برای تسویه و تصفیه امور وراث مرحوم مبرور عضدالملک نایب السلطنه مزاحم شوم. با اینکه تکسر مزاج دارم محض اینکه شاید امریک خانواده جلیله تصفیه شده و طلب جمعی برسند، ان شاء الله سه ساعت به غروب دوشنبه مانده حاضر می شوم.»^{۲۲}

مجالس متعدد دیگری نیز تشکیل شد، اما ظاهراً در هیچ یک از این نشست ها، مسئله کاملاً فیصله نیافته است، چرا که «برای رسیدگی به ادعای طلب بانک استقراضی» نیز محاکمات مجبور شده مجلسی با شرکت کلیه ورثه ترتیب دهد، و از آنان برای حضور در محاکمات در روز شنبه دهم ذی القعدة سال ۱۳۳۱ ق. دعوت به عمل آورد.

گرفتاری دیگر محاکمات، اقدام بانک شاهنشاهی به گماشتن مأمور خود درب خانه ورثه، برای وصول طلب خویش بود؛ که محاکمات ظاهراً برای جلوگیری از گسترش نفوذ مأمورین خارجی - و اقدام مستقیم آنان - سریعاً دست به کار شد و مهلت خواست و تهدید کرد که بدهی ورثه به بانک را وصول کرده، بپردازد.^{۲۳} تعلل ورثه در تأدیه بدهی خود به بانک، موجب شد که اداره اجرای محاکمات شکایت نزد معاون وزیر برده و بنویسد:

«برای مطالبه هرطور اقدام لازم بوده، شده است، ولی این کار از پلیس که گاهی بیاید و گاهی حاضر نشود ساخته نیست؛ عرض کردم دو نفر قزاق لازم است، مقرر فرمودند خواسته شود، اداره محاسبات اقدام نکرد، درثانی مقرر شد از قزاق های وزارت خارجه، یکی دو نفر در موقع لزوم بدهند. شاهزاده قزاق می گوید آنها سواره هستند و قزاق پیاده برای این کار لازم است، کار هم اسباب می خواهد، بی اسباب ممکن نیست بتوان کار کرد، پس فردا باز بانک یک اقدامی می کند؛ آن وقت به هیچ وجه نمی توان داخل هیچ گونه مذاکره شد.»

چنین پیداست که همین شکایت، و نیز بیان این مطالب که اگر هریک از ورثه سهم خودشان را از قروض می پرداختند، تاکنون طلب بانک پرداخت شده بود، و هم چنین «اکرم اندوله عیال ظهیرالسلطنه یک خانه شروع کرده می سازد که تا به حال بیست هزار تومان خرج کرده و همین مبلغ هم خرج خواهد داشت تا تمام شود و الان مشغول است.»، و طرح این پرسش که «چرا اول قروض خودشان را نمی دهند، بعد شروع به بنایی ده بکنند» موجب شده که چنین

دستوری از سوی مقام مذکور صادر شود:

«به اداره محاسبات ابلاغ فرمایید قزاق برای محاکمات فوراً بخوانند. اقدامات را هم تحکیم فرمایند، بلکه سخت تر هم بگیرند. امروز سالارالسلطان نزد این جانب آمده بود، مدتی حرف زد، جواب سخت به او دادم.»

تخلافات میان ورثه نیز به دشواری کار افزوده بود، از سویی اکرم اندوله به محاکمات می نوشت که سایر ورثه درصدد فروش املاک سهمی خود هستند، و از سوی دیگر میرزا احمدخان علاء الدوله - که خود را «گرفتار نتیجه ظلم آقای سالارالسلطان و آقای رکن السلطان و چند نفر دیگر از ورثه» می دانست - شکوه می کرد که «معادل هفت هشت هزار تومان پول نقد به آنها داده که هریک از محل پرداخت این وجه، از قبیل موقعی بوده که اجزای وزارت جلیله امور خارجه هم اطلاع دارند که نعش سردار مخصوص را در بنژیک، در مریض خانه می خواستند آتش بزنند؛ سفیر ایران تلگراف کرده بود که هرگاه تا شش ساعت دیگر پول نرسد، نعش را آتش خواهند زد؛ در همچو موقعی بنده پول دادم، تا به حال که نه ماه می گذرد، نگرفته ام و تمام را به وعده گذرانیده اند. گویا درستی حساب و ادای قرض مردم را این آقایان کفر می دانند.»^{۲۴}

محاکمات وزارت امور خارجه، برای وادار نمودن ورثه به پرداخت بدهی خود، در همان سال ۱۳۲۹ ق. دستور توقیف کلیه املاک ورثه عضدالملک را صادر نمود. سواد تلگراف عبدالحسین خان معزالسلطان - سردار محیی - حکمران مازندران به حاکم بارفروش (بابل) در دست است، که دستور داده «املاک ورثه مرحوم عضدالملک ضبط و در تحت نظر حکومتی باشد، تا موقعی که ورثه مزبور طلب بانک شاهنشاهی را تأدیه نموده - بعد از صدور حکم ثانوی - از توقیف خارج شود.»^{۲۵} در سایر نقاط مثل دهات و قراء اطراف تهران نیز املاک ورثه توقیف گردید و متن اعلانی که قرار بوده در تهران چاپ و توزیع شود، در دست ماست؛ که طی آن «از طرف وزارت امور خارجه، به عموم اهالی دارالخلافة اعلان می شود تا زمانی که ورثه مرحوم نایب السلطنه عضدالملک، قراری در تأدیه طلب بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی و سایر قروضی که آن مرحوم به اتباع خارجه دارند، ندهند، هر نوع معامله در فروش املاک، یا معامله راهتی با هرکس نمایند، لغو و باطل است و محصول املاک آنها هم در توقیف اجرای محاکمات خواهد بود و کسانی که املاک آنها را اجاره کرده اند، حق ندارند دیناری از بابت محصول به وراث آن مرحوم بدهند.»

اگرچه در حاشیه سند نوشته شده است که: مقرر فرمودند رقعہ به

امور منکی خودشان» باشند.

افزون بر این همه وی می نویسد: «مختصر توجهی لازم است بشود که کلیه جواب و سؤالی که در میان ورثه نایب السلطنه است، قطع شود» و مطالبات خود از سالار السلطان، از جمله یک فقره هزارویانصد تومان پونی که با اصلاح وزارت امور خارجه «برای حمل نعش پسر مرحوم نایب السلطنه، که در فرنگ می خواستند جنازه او را بسوزانند و یک اسباب ننگ و بدنامی برای خانواده نایب السلطنه و تمام ایرانی بود» داده، یادآور می شود.^{۲۶}

اگرچه بنا بر مندرجات سندی که پیش از این به آن اشاره شد، علاء الدوله پیش از مرگ خود — بر اثر سوء قصد، در نهم ذی الحجه ۱۳۲۹ ق. — سهم خود از طلب بانک را پرداخت، اما دشواری کار محاکمات به پایان نرسید.

اسناد موجود حاکی از آن است که محاکمات از آن پس، با اجازه داران املاک ورثه عضدالملک سر و کار یافت و مجبور به حل سایر مشکلات ورثه گردید؛ و طی نامه هایی که به وزارت عدلیه نوشت، این مشکلات را شرح داد و خواستار همکاری آن وزارتخانه جهت حل آنها گردید. در طی یکی از این نامه ها — که به درخواست سالار امجد داماد عضدالملک نوشته شده — توجه عدلیه را به این نکته جلب کرده که املاک نایب السلطنه «تا یک درجه در تحت نظر» و مواظبت است که «تقریباً در فروش و هر نوع معاملاتی نسبت به آن املاک، مختار و مجاز نیستند؛ در این صورت اگر طلب کاران داخله که یا زیاد حسابی دارند، چندان قدرت و استطاعت برای پرداخت آنها قبل از انجام عمل بانک ها ندارند؛ زیرا پول نقد نداشته، فروش املاک هم هنوز برای آنها متعسر است.» سپس شکایت سالار امجد را که «هر روز طلب کاران — از قبیل نوکر و ناظر و متفرقه — اسباب زحمت و هتک آبرو و اشکالات می شوند» نقل نموده، خواستار است که ترتیبی برای اسکات طلب کاران تا یک مدت محدودی، مثلاً دو ماه، داده شود که در ظرف این مدت شاید مسائل صورت صلاح بیابد؛ و اگر از عدلیه اعظم هم مأموری برای این کار می رود عجاله متغرض نباشند.»^{۲۷}

سرانجام چون ورثه درصدد ادای دین برمی آیند، خازن السلطنه چهار هزار تومان حواله می کند؛ سالار السلطان سالی سه هزار تومان می دهد؛ محمدجعفر معین الرعايا — مستأجر املاک عضدالملک در مازندران — سه هزار تومان می فرستد؛ رکن السلطان سند پرداخت هزار تومان را از بانک دریافت می کند؛ طلب بانک شاهنشاهی به تدریج داده می شود و چون در تاریخ ربیع الاول سال ۱۳۳۱ ق.، تنها حدود ده هزار تومان از اصل قرض عضدالملک به بانک شاهنشاهی باقی

آقای علاء الدوله نوشته شود که محض احترام فرمایش جناب مستطاب عالی سپردم توقیف را از املاک بردارند، ولی منتظر در ظرف یک هفته یا ورثه مرحوم میرو نایب السلطنه عضدالملک صورت حساب هایی را که بانک شاهنشاهی و روس داده اند تصدیق کنند، و بنا اگر اختلافی دارند رفع اختلاف نمایند؛ که از آن رو [؟] سهم هریک از ورثه مطالبه و دریافت و به این دو بانک پرداخته شود.»

اما چون ورثه در طی آن مدت قروض خود را نپرداختند و توقیف املاک آنان همچنان پابرجا مانده به نظر می رسد که این اعلان بالاخره در تهران منتشر شده باشد.

میرزا احمدخان علاء الدوله — داماد عضدالملک — به این اقدام اعتراض کرد؛ وی از محاکمات می پرسید که اولاً چرا تاکنون پاسخی به درخواست او — مبنی بر تعیین مبلغ قرض نایب السلطنه و مشخص کردن بانک های طلب کار داده نشده است؛ و در عوض از طرف محاکمات «مأمور معین شده است که تمام املاک مرحوم نایب السلطنه را که قریب یک کرور است، برای چهل هزار تومان یا پنجاه هزار تومان یا کمتر یا بیش تر توقیف» کنند. و ثانیاً به چه مجوزی ملک زرخیرد ورثه را «جزء املاک آن مرحوم توقیف کرده اند» و توضیح می دهد که دو سهم از سلیمانیه از آن او است «که یک سهم ارثیه والده سهم الدوله است، و یک سهم آن را خریداری کرده ام» وی همچنین متعهد می شود که اگر مجلسی از ورثه تشکیل گردد و سهم قروض هریک تعیین شود، «در همان مجلس که سهم یک دختر از قروض بانک معین شد که متعلق به والده سهم الدوله است، فوراً قرار ادای آن داده می شود.»

او از نحوه اجرای این توقیف نیز شکوه کرده، می نویسد: «هرگاه باید ملک توقیف شود، بعضی دون بعضی چرا؟ ملک بنده که هشت هزار تومان وجه نقد به ورثه داده، یا ظهیر السلطنه که پانزده هزار تومان از برای قرض زمین گذاشته، باید توقیف شود و ملک آقای سالار السلطان که ده پارچه [ملک] در مازندران و در نجم آباد و ساوه و هاشم آباد [دارند] در ید تصرف خودشان باقی باشد؟ وقتی حکم توقیف شد، کلیه املاک مازندران و... و کلیه مستغلات شهری و خانه های مرحوم نایب السلطنه باید توقیف شود؛ نه سلیمانیه به تنهایی» و می پرسد که چرا می بایست «یک کرور املاک» برخی از ورثه — که مبلغی از حق الارث خودشان را برای ادای قرض واگذار کرده اند — توقیف شود و املاک ورثه دیگر که «از سهم خودشان برای قرض نگذاشته اند... چون دوردست است، بهیچوجه در تحت توقیف نیامده؛ [آنان] در کمال خوبی مشغول رتق و فتق

عضدالملک نایب السلطنه طاب ثرد، زحمت می دهد که چون مطلب محتاج به بعضی تحقیقات است، بعد پس از آن که تحقیقات لازم به عمل آمده، نتیجه هر چه شد، به آن وزارت جلیله اعلام خواهد نمود. از طرف وزیر مالیه معدل الدونه محل مهر: وزارت مالیه ۱۳۲۸.

نده بود، محاکمات خواستار تشکیل مجلسی با شرکت ورثه — برای اگره جهت پرداخت مابقی اصل، و نحوه تخفیف گرفتن از بانک مورد فری این قرض — گردید.

اما از سوی دیگر قنصلگری روس — طی یادداشتی به تاریخ یزدهم جمادی الثانی ۱۳۳۱ ق. — خواستار اقدام سریع محاکمات، و وصول طلب بانک استقراضی از ورثه عضدالملک می شود. و یادداشت دیگری تنویحاً از محاکمات گه می کند که «از بانک استقراضی ایران می نویسند طلبی که بانک شاهنشاهی از ورثه عضدالملک داشت، کلیه را وصول و عاید داشته اند؛ اما طلب بانک استقراضی که مدتی است به آن اداره محترمه اظهار و مراجعه شده، کنون لاوصول مانده است؛ و این فقره باعث تعجب بانک مزبور است که چرا در وصول و ایصال طلب آنها این طور تعلل می شود.»

اگرچه تمام بدهی ورثه عضدالملک به بانک شاهنشاهی، تا آن تاریخ پرداخت نشده بود، اما اظهار «تعجب» اولیای بانک استقراضی چندان هم بی مورد نبوده است؛ چرا که در برابر پرداخت و چند هزار تومان به بانک شاهنشاهی، از پاسخ محاکمات بان و کسری» از طلب بانک استقراضی تأدیه شده بود.

به هر حال محاکمات اقدامات خود را پی می گیرد و از کلیه ورثه ای حضور در مجلسی که جهت رسیدگی به طلب بانک استقراضی، در تاریخ شنبه دهم ذی القعدة ۱۳۳۱ ق. منعقد می گردید بوقت می نماید.

اسناد موجود در همین جا تمام می شود و ما از سایر اقدامات اربت امور خارجه در این مورد آگاهی نداریم، از آن جا که تاکنون بلیه اسناد وزارت امور خارجه فهرست نشده، این امید هست که بقی اسناد بدهی عضدالملک به بانک های خارجی از بین سایر ناد باقی مانده به دست آید.

یک نکته ناگفته مانده و آن این است که تنها در اسناد مربوط سال ۱۳۳۱ ق.، — این ادعای ورثه — طی نامه مصطفی خان لارالسلطان به محاکمات — طرح شده که «مرحوم نایب السلطنه شتر از طلب بانک شاهنشاهی و بانک روس، از دیوان اعلی بکار بود و این مدت به این امید بوده ایم که این وجه وصول شده به هر دو بانک داده شود.» محاکمات سواد این نامه را به اربت مالیه فرستاد و توضیح خواست. پاسخ وزارت مالیه — که نوشت آن برای سالارالسلطان فرستاده شد — چنین بود:

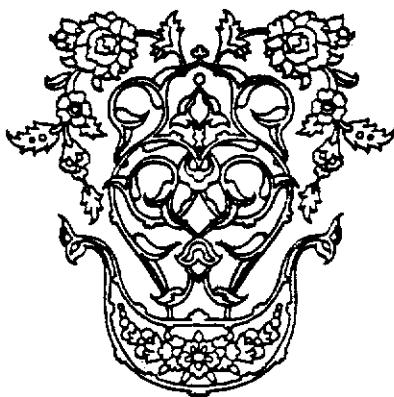
«وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه نمره (۱۵۲۴۰/۵) راجع به حقوق مرحوم



یادداشت‌ها:

- ۱۵ - صفایی، همان، ص ۴۸۲.
- ۱۶ - اعتماد السلطنه، پیشین، ص ۸۸۴-۸۸۵. وقایع دوشنبه ۲۲ و سه‌شنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۰۹ قمری.
- ۱۷ - اسناد بدهی ظهیر السلطنه طنی شماره ۷-۹۱۰۰۴ در سری اسناد وزارت امور خارجه موجود در خزانه سازمان اسناد ملی ایران فهرست شده است. جزء اسناد مذکور نامه‌ای از محاکمات به تاریخ ۲ ذیحجه ۱۳۲۸ ق. در دست است که در مورد حدود این قیصومیت از حاج میرزا ابوطالب زنجانی توضیح خواسته شده است و وی پاسخ داده که این قیصومیت «اختصاص به حفظ و ضبط مال... و مصارف لازمه» دارد و در مورد دعاوی مالی بر ظهیر السلطنه می‌نویسد: «هر وقتی که مدعی پیدا شد یک نفر امین برای جواب و سؤال تعیین می‌شود». بری آگاهی از شرح حال حاج میرزا ابوطالب زنجانی بنگرید به: رجال بامداد، ج ۱، ص ۷۲-۷۵؛ یادگار، سال سوم، شماره هشتم (فروردین ۱۳۲۶)، ص ۳۵-۴۴.
- ۱۸ - سند شماره ۱۴.
- ۱۹ - سند شماره ۲. این شیخ اسماعیل ذوقلی شیخ المشایخ از نزدیکان عضدالملک بوده چنانکه از سوی وی برای تصدی سمت «کتابداری همایونی» نامزد شده بود. بنگرید به: مستشارالدوله صادق، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، مجموعه اوز یادداشتهای تاریخی و اسناد سیاسی، به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۱۷۲.
- ۲۰ - سند شماره ۳.
- ۲۱ - سند شماره ۶.
- ۲۲ - نامه امام جمعه خوینی به محاکمات که ضمن اسناد بدهی عضدالملک طی شماره ۷-۹۱۰۰۴ فهرست شده است.
- ۲۳ - سند شماره ۴.
- ۲۴ - نامه علاءالدوله به محاکمات ضمن اسناد بدهی عضدالملک.
- ۲۵ - سند شماره ۷.
- ۲۶ - سند شماره ۵.
- ۲۷ - سند شماره ۱۱.
- ۲۸ - سند شماره ۸.
- ۲۹ - سند شماره ۱۳.
- ۱ - مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه). گزارش ایران - قاجار و مشروطیت - به اهتمام محمدعلی صوبتی (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۲۵۴؛ محمدحسن خان اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۴۵)، ص ۱۳۴.
- ۲ - ابراهیم صفایی، بهیران مشروطه (تهران، ۱۳۴۶)، دوره دوم، ص ۴۵۳.
- گفتنی است که تاریخ تولد عضدالملک هم در کتاب شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری تألیف مهدی بامداد و هم در کتاب تازه انتشار یافته فرهنگ رجال قاجار به گونه‌ای نادرست ذکر گردیده است. بامداد تاریخ تولد وی را سال ۱۲۳۸ قمری دانسته (رجال بامداد، جلد دوم، ص ۴۳۵) و در کتاب دیگر تاریخ ۱۸۲۵ م / ۱۲۴۱ ق. به عنوان سال تولد عضدالملک تعیین شده است (بنگرید به: جورج پ. چرچیل، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه غلامحسین میرزا صالح (تهران، ۱۳۶۹)، ص ۱۲۳).
- ۳ - اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، همانجا، ضمن بیان وقایع روز سه‌شنبه غره ذی الحجه سال ۱۲۹۸ ق.
- ۴ - علینقی حکیم الممالک، روزنامه سفر خراسان، به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۵۶)، ص ۴۶۸.
- ۵ - محمدحسن خان اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی (تهران، ۱۳۶۷)، جلد سوم، ص ۱۹۰۴، منصب مهربرداری، عواید بسیار داشته و او در اخذ رسوم ضعیف می‌ورزید.
- ۶ - فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون - عصر سپهسالار - (تهران، ۱۳۵۱)، ص ۲۴۵-۲۴۶.
- ۷ - دوستعلی خان معیر الممالک، رجال عصر ناصری (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۲۴۳. اعتماد السلطنه اگرچه از حضور سلیمان خان پسر عضدالملک در سلام نوروزی در سال ۱۳۰۵ ق. م عنوان «مهردار مهر آثار» یاد کرده، تفویض مهربرداری به عزیز السلطان را ضمن بیان وقایع روز سه‌شنبه دهم ذی الحجه سال ۱۳۱۲ ق. نوشته است. در همان روز این‌خانی گری ایلی قاجار نیز از عضدالملک گرفته به مجدالدوله داده شد. بنگرید به: روزنامه خاطرات، ص ۶۲۹ (ضمن بیان وقایع روز سه‌شنبه ۶ رجب ۱۳۰۵ ق.) و ص ۱۱۵۲.
- ۸ - محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام سعیدی سیرجانی (تهران، ۱۳۶۴)، ص ۳۰۱ و صفحات دیگر.
- ۹ - مخبر السلطنه هدایت تاریخ انتخاب ناصرالملک، به عنوان نایب السلطنه بعدی احمد شاه را چهار روز پیش از مرگ عضدالملک ذکر کرده است. بنگرید به: گزارش ایران، همانجا.
- ۱۰ - جورج چرچیل، همان، ص ۱۲۳.
- ۱۱ - اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۳۸۴. ضمن بیان وقایع روز سه‌شنبه ۵ جمادی الاول ۱۳۰۲ ق.
- ۱۲ - بنگرید به: سند شماره ۱۰ از اسناد بیوست همین نوشته.
- ۱۳ - سند شماره ۱.
- ۱۴ - سند شماره ۶.



[باسخ شیخ اسماعیل دزفولی - شیخ المشایخ - به استعلام اکرم الدوله]

چهارشنبه ۸ شهر رجب سنه ۱۳۲۹

خدمت جناب مستطاب آقای شیخ المشایخ عرض می‌کنم استدعا می‌کنم تفصیل روزی که در منزل جناب آقای حاجی امام جمعه تقسیم املاک مرحوم عضدالملک نایب السلطنه را فرمودید و جناب آقا صیغه خواندند هر یک چه مبلغ سهم آنها شد و کدام از سهم بیشتر قبول کردند و کدام از سهم خود کسر دارند که قرار شد آنها که اضافه بردند از قرض قبول کنند زیاده عرضی نیست
بسمه تعالی

عرض می‌شود اطلاع بنده در این خصوص که مرقوم داشته‌اید این است املاک مرحوم نایب السلطنه طاب ثراه سوای عمارات پس از مصالحه حقوق ثمنیه والده آقای رکن السلطان از آن املاک به هفت هزار تومان وجه نقد منحصر به چهارده سهم شد و به خیال آنکه کلیه املاک مرقومه به چهارصد و بیست هزار تومان می‌رسد هر سهمی را سی هزار تومان فرض کرده و از این قرار بعضی اضافه و بعضی کمتر از حق خود بردند به این ترتیب که هرکس اضافه از سهم خود ملک قبول نماید از سهم قروض وارثی که کمتر برده است قبول نموده بدهد. لهذا حضرت آقای سالارالسلطان و شریک ایشان سرکار ارفع الدوله که باید مطابق سهمی سی هزار تومان یکصد و دوازده هزار و پانصد تومان از املاک انتخاب نماید معادل یکصد و بیست هزار تومان منک قبول نمودند که هفت هزار و پانصد تومان از قروض سایرین قبول نموده ادا نمایند. و هكذا آقای نصرالملک که به وکالت متعلقه خودشان سرکار افخم الدوله می‌باید سی و هفت هزار و پانصد تومان ملک انتخاب نمایند نجم‌آباد را به چهل هزار تومان انتخاب و قبول کرد که دو هزار و پانصد تومان از قروض وارثی که کمتر از سهم خود برده است بپردازد. و دو وارث هم که کمتر از سهم خود ملک قبول کردند یکی سرکار بودید که می‌باید به جهت حضرت آقای ظهیرالسلطنه هفتاد و پنج هزار تومان ملک بگیری و ولی شصت هزار تومان بیشتر ملک به سرکار نرسیده و مقرر شد که پانزده هزار تومان کسر سهم را بندهکاران ورثه از سهم قروض آقای ظهیرالسلطنه قبول نموده ادا کنند و دیگری حضرت آقای خازن السلطنه بود که شصت و هفت هزار تومان از املاک را به جای هفتاد و پنج هزار تومان انتخاب فرمود که هشت هزار تومان از سهم قروض ایشان را زیاد گیرنده‌ها قبول نموده ادا نمایند و چون املاک

مقسود از چهارصد و هفت هزار تومان تجاوز نکرد لهذا معین است که غیر از دو وارث اخیر که کمتر از سهم خود برداشته‌اند باقی ورثه کثرتاً بندهکار شده و اضافه از حق خود برداشته‌اند و ما شهدنا الایما علمنا والله جل جلاله علی ما نقول وکیل حرره اقل الانام عملاً و اکثر هم زناً احقر المشایخ اسمعیل فی شهر رجب المرجب ۱۳۲۹ محل مهر: الراجی الی الله اسمعیل

مجدداً عرض می‌شود که بر نهج مذکور بندگان حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاج امام جمعه مد ظله العالی تقسیمات مسطوره را تعیین و اجراء صیغه فرموده و ثبت آن را به مهر ورثه رسانیدند تا واضح باشد صحیح اسمعیل دزفولی

سند شماره ۳

[تلفنگرام حاج امام جمعه خویی به اکرم الدوله ۱۳۲۹ ق]

به تاریخ ۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۹ جواب نمره ۷۷۰ از تجریش

سرکار علییه عالیه خانم اکرم الدوله دامت خداتها تلفن شما را ملاحظه کردم مکرر به همه وراثت مرحوم مبرور آقای نایب السلطنه عرض کرده‌ام تا قروض آن مرحوم را نداده‌اند و طلبکار را راضی نکرده‌اند هر تصرفی از قبیل فروش و اجاره و غیره در املاک می‌نمایند شرعاً وجهی ندارد و نباید تصرف نمایند و نمی‌توانند بفروشند
یحیی الخوئی
محل مهر: اخبار تلفن

سند شماره ۴

[رپورت محاکمات]

رپورت محاکمات اداره محاکمات مورخه ۱۵ شهر شعبان ۱۳۲۹
نمره ۳۴۷۴

بانک شاهنشاهی مبلغ چهل و سه هزار تومان و کسری از مرحوم عضدالملک نایب السلطنه مطالبه می‌نمود در زمان حیات آن مرحوم مکرر اظهار شد و به جوابهای نامساعد گذراند پس از فوت آن مرحوم بانک مأمور خود را برای وصول و ایصال وجه مزبور درب خانه ورثه گذاشت و با وزارت خارجه مدتی مذاکره نمود مهلت خواست استمهان داده شد تا بحال مکرر صورت حساب فرستاده شده و مراسلات عدیده به ایشان نوشته شده و ابداً اقدامی در تأدیه قرض

بانک نکرده‌اند از قراری که یکی از وراثت اکرم الدوله به محاکمات نوشته است بعلاوه تقسیم ترکه درصدد فروش آن هم هستند در این صورت شرحی متحدالجمال به تمام وراثت نوشته که ثبت آن از لحاظ مبارک خواهد گذشت چنانچه تصویب فرمایند مقرر دارند نوشته شود منوط به مر مبارک است.

اکرم الملک

نوشته حاشیه سند ناخواناست ظاهراً (مطالبه شود) است.

سند شماره ۵

[علاء الدوله به محاکمات ۱۳۲۹ ق]

قربانت شوم در باب قروض مرحوم نایب السلطنه طاب ثراه به بانک بتوسط رئیس اجرای محاکمات وزارت خارجه چند مرتبه مذاکره شد چون مطلب به جانی منتهی نشده بالضروره بتوسط جناب دبیر همایون این مختصر را لازم می‌دانند زحمت بدهم و از مطلب چون کاملاً مسبوق است هر تحقیقاتی هم لازم باشد حضوراً از مشارالیه بفرمائید در سه مطلب و مذاکراتی که با رئیس اجرا شده بود از این قرار است اولاً تقاضا کرده بودم که معین شود قرض مرحوم نایب السلطنه چه مبلغ است و به کدام بانک مقروض هستند که ورثه تکلیف خودش را در ادای سهمی قرض خودش بدانند هنوز در جواب این اظهار حسابی اقدامی از طرف محاکمات وزارت خارجه نشده است. مأمور معین شده است که تمام املاک مرحوم نایب السلطنه را که قریب یک کروور است برای چهل هزار تومان یا پنجاه هزار تومان یا کمتر یا بیشتر توقیف کرده‌اند به علاوه املاک ورثه مرحوم نایب السلطنه منکی را هم که زرخیر خود بنده است در جزو املاک آن مرحوم توقیف کرده‌اند حالا لازم است مأموری معین فرمائید تمام ورثه مرحوم نایب السلطنه را در منزل جناب شریعتمدار آقای امام جمعه خوئی حاضر کنند که از ابتدا داخل بوده‌اند قروضی را هم که مرحوم نایب السلطنه به بانک دارند معلوم کنند هر یک از ورثه حاضرند که سهم خودشان را از قرض بانک بدهند حکم صادر شود که ملک او از توقیف خارج شود و هر کدام تقاعد دارند هر تکلیفی وزارت جلیله امور خارجه دارند اقدام بفرمایند غرض این است که دو سهم از سهامیه متعلق به بنده است که یک سهم ارثیه والده سهم الدوله است و یک سهم آنرا خریداری کرده‌ام و به موجب این نوشته در همان مجلس که سهم یک دختر از قرض بانک معین شود که متعلق به وایده سهم الدوله است فوراً قرار ادای آن داده می‌شود که حاجت به توقیف سهم منکی ایشان نباشد تا اینجا یک مطلب

ساده سرراست بود که خاطر محترم مستحضر شود که چند دقیقه صرف اوقات لازم است که یک کاری بر وفق صحت و عدالت گذشته اسباب بدنامی برای یک خانواده تدارک نشود. قطع نظر از این ترتیب مختصر توجهی لازم است بشود که کلیه جواب و سؤالی که در میان ورثه نایب السلطنه است قطع شود و آن این است که بعضی از ورثه که از جمله یکی خود بنده هستم مبلغی از بابت قروض مرحوم نایب السلطنه از سهمیه خود کسر کرده‌اند و برای قروض واگذار نموده‌اند بعضی به هیچ وجه از قرض را نداده و از سهم خودشان برای قرض نگذاشته‌اند و جای تعجب است املاک صاحبان آن سهام چون دوردست وقع است به هیچ وجه در تحت توقیف نیامده در کمال خوبی مشغول رتق و فتق امور ملکی خودشان هستند و یک قسمت از ورثه که مبلغی از حق الارث خودشان را برای ادای قروض واگذار کرده‌اند یک کروور املاکشان توقیف شده است یک فقره هزار و پانصد تومان پولی است که بنده به اطلاع وزارت امور خارجه برای حمل نعلش پسر مرحوم نایب السلطنه دادم که در فرنگ می‌خواستند جنازه او را بسوزانند و یک اسباب ننگ و بدنامی برای خانواده نایب السلطنه و تمام ایرانی بود و حالا این پول و چند فقره دیگر از این قبیل مطالبات نزد جناب اجل سالارالسلطان باقی است و املاک سایرین من غیر حق توقیف شده غرض این است همان قانون که برای پرداخت طلب بانک حکم به توقیف املاک مدیونین می‌کند به احقاق حق ورثه هم باید حکم باشد که حقوق هر کدام به صحت رسد و هر یک هم از عهده سهم قرض خود برآیند و موافق و عده‌ای که فرمودید منتظرم توجه مخصوص بفرمایند که اسباب آسودگی باشد.

سند شماره ۶

[محاکمات به خازن السلطنه ۱۳۲۹ ق]

مورخه ۳ شوال المکرم ۱۳۲۹

فدایت شوم مرقومه محترمه واصل دیروز که برای تسویه حساب بانک تشریف نیاوردید اینکه مرقوم فرموده‌اید برای تأدیه قرض بانک نسبت به سهمی خودتان حاضر هستید و موقوف به تعیین طلب فرموده‌اید طلب بانک به موجب صورت حسابی که در ۱۸ شهر رجب به وزارت خارجه فرستاده است مبلغ پنجاه هزار و نهصد و بیست و سه تومان و سه هزار دینار است و جناب مستطاب آقای علاء الدوله دام اقباله العالی هم قبول فرموده و سهمی خودشان را به اضافه تنزیل از ۱۸ رجب تا ۱۸ رمضان پرداختند و لازم است

سند شماره ۸

[نامه قنصلگری روس به محاکمات در مورد طلب بانک استقراضی از

ورثه عضدالملک ۱۳۳۱ ق]

جنرال قنصلگری اعلیحضرت امپراطوری کل ممانک روسیه مقیم

پهران

به تاریخ ۱۳ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۳۱

مطابق ۷ مای ۱۹۱۳ نمره ۴۸۸

یادداشت به محاکمات وزارت جلیله امور خارجه

بانک استقراضی ایران طلبی از مرحوم عضدالملک نایب السلطنه

دارد که از طرف سفارت سنیه امپراطوری در ۷ شعبان ۱۳۲۷ مطابق

۱۱ اؤگوست ۱۹۰۹ به آن وزارت خانه جلیله امور خارجه مراجعه شده

و تقاضای وصول آن را کرده اند و از قراری که از بانک مزبور مجدداً

اظهار می کنند در این مدت طلب بانک را وصول نفرموده اند. احتراماً

خواهشمند است که اقدامات سربعه لازم به عمل آورده طلب بانک

را هرچه زودتر وصول و ایصال فرمایند و از نتیجه اقدامات جنرال

قنصلگری را مسبق بدانند.

محل مهر: جنرال قنصلگری اعلیحضرت امپراطوری روس مقیم پهران

در ذیل سند نوشته شده است:

رجوع به سابقه نموده اگر حکمی صادر شده وصول و ایصال

دارید.

سند شماره ۹

[نامه محاکمات به وزیر دربار ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق]

نمره عمومی ۷۸۴۶

نمره خصوصی ۹۹۳ به تاریخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰

رقعه به وزیر دربار

از بابت مطالبات بانک شاهنشاهی و استقراضی از وزارت مرحوم

نایب السلطنه طاب ثراه نسبت به سهمی که به آقای سالار امجد تعلق

می گیرد نظر به اینکه هر وقت از ایشان مطالبه می شود اظهار می دارند

تا قرار لازم در خصوص ارثیه من داده نشود نمی توانم به مقام پرداخت

مطالبات بانک برآیم و از طرفی هم بانک شاهنشاهی و استقراضی

همه روزه در مقام مطالبه می باشند وزارت خارجه همچو مقتضی

دانست مجلس برای تسویه این امر مرکب از کلیه آقایان ورثه در

گنجینه اسناد ۱۳۷

حضرت عالی هم سهم خودتان را بپردازید و موقوف به تعیین کردن
جناب آقای سالارالسلطان نفرمائید و چنانچه از طرف آقای
سالارالسلطان رسیدگی به عمل آمد و از آن مبلغ کمتر سهمی
حضرت عالی را معین کردند وزارت امور خارجه با تنزیل آن اضافه را
به حضرت عالی خواهد پرداخت مقصود این است بیشتر از این راضی
نشوی. وزارت امور خارجه در زحمت باشد و هرچه زودتر به این کار
خاتمه بدهید و مخصوصاً از حضرت عالی خواهش می کنم در این دو
روزه این عمل را انجام بدهید زیاده عرضی ندارد ایام بکام باد

در حاشیه سند نوشته شده است: فدایت شوم چون مرقوم

فرموده بودند که وجه بدهی بانک سهمی حضرت عالی را معین و

حواله فرمایند برسانند اینک صورت حسابی را که از بانک فرستاده اند

و جناب مستطاب اجل اکرم آقای علاءالدوله هم قبول و از این قرار

سهمی خودشان را تا تاریخ فلان با فرع پرداخته اند اشعار نمود که زیر

آنان [؟] را حواله فرمایند بر عهده وزارت امور خارجه است که اگر

پس از تحقیق [و] رسیدگی معلوم شد چیزی علاوه کارسازی

فرموده این گرفته و به حضرت عالی مسترد دارد.

سند شماره ۷

[سواد حکم توقیف املاک ورثه عضدالملک ۲۱ شوال ۱۳۲۹]

کارگزاری مهام خارجه مازندران

سواد تلگراف ایالت جلیله به حکومت بارفروش

مورخه ۲۲ برج میزان ۱۳۲۹ ق از ساری به بارفروش

حکومت بارفروش حکم تلگرافی از وزارت جلیله داخله برطبق

اظهار یادداشت وزارت امور خارجه صادر شده است که املاک ورثه

مرحوم عضدالملک ضبط و در تحت نظر حکومتی باشد تا موقعی که

ورثه مزبور طلب بانک شاهنشاهی را تأدیه نموده بعد از صدور حکم

ثانوی از توقیف خارج شود حسب الحکم به شما اخطار می شود مأمور

فهمیده معین کرده بفرستید کلیه املاک متعلق به مرحوم عضدالملک

را ضبط نمایند از مباشرین التزام سخت بگیرند که دیناری به حواله

ورثه ندهند چون از وزارت امور خارجه به آقای رکن الوزاره کارگزار

هم تلگراف در این خصوص شده است اقدام شما در اعزام مأمور و

ضبط املاک مزبور باید به استحضار ایشان بوده باشد و در این فقره با

آقای رکن الوزاره مشاوره به اطلاع ایشان اقدام و نتیجه را بپرت بدهید.

۲۱ شهر شوال نمره ۱۳ سردار محیی

وزارت خارجه تشكيل شود و روز دوشنبه ۱۲ شهر جاري دو ساعت بعد از ظهر مجلس منعقد خواهد شد لهذا تمنا دارد مقرر فرمائيد آقاي سالار السلطان و آقاي ركن السلطان هم در روز و ساعت مزبوره به وزارت خارجه حضور بهم برسانند كه مذاكرات لازمه به عمل آمده قطع گفتگو شود در غياب رئيس

در حاشيه سند نوشته شده است: نوشته شود

سند شماره ۱۰

[محاكمات به وزارت عدليه ۱۳۳۰ ق]

نمره كتاب ثبت ۱۷۴۰ تاريخ خروج: ۲۴ جمادى الثانى ۱۳۳۰
وزارت جيبه عدليه

معادل يكصد هزار تومان بانكها از مرحوم نايب السلطنه طاب ثراه طلبكار هستند و مدتى است به وزارت خارجه شكايه كويت نموده و كليه املاك آن مرحوم در توقيف اداره اجراى اين وزارت خانه است كه محصول آن را جمع آوري نموده و به بانكها عايد دارد. از قراريكه اطلاع داده اند اداره اجراى وزارت عدليه براي وصول طلب ورثه فرج الله خان اقدام به توقيف سليمانيه نموده و كدخدای آنجا را هم توقيف نموده لزوماً به استحضار آن وزارت جليله مي رساند كه غدغن فرمايند اداره اجرا متعرض نباشند و اقدامي به هيچ وجه در اين باب ننمانند كه اسباب تضيق طلب بانك و شكايه فراهم نشود.

امضا: ناخوانا

سند شماره ۱۱

[محاكمات به وزارت عدليه ۱۳۳۰ ق]

نمره كتاب ثبت ۱۳۸۵/۴۶۲ تاريخ خروج ۲۲ شهر صفر ۱۳۳۰
رقعه به وزارت عدليه

البته آن وزارت جليله از طلب بانك هاي شاهنشاهي و روس از ورثه مرحوم ميرور عضدالملك نايب السلطنه طاب ثراه مستحضر است وزارت امور خارجه در اين خصوص دچار زحمات و اشكالات فوق العاده شده تا بالاخره يك ترتيبى اتخاذ كرد كه از آن قرار مشغول اقدام و منتظر نتيجه است و تا يك درجه املاك مرحوم ميرور در تحت نظر و مواظب است كه تقريباً در فروش و هر نوع معاملاتي نسبت به آن املاك مختار و مجاز نيستند در اين صورت اگر طلبكاران داخه كم يا زياد حسابي دارند چندان قدرت و استطاعت براي پرداخت آنها قبل از انجام عمل بانكها ندارند زيرا پول نقدي

نداشته فروش املاك هم هنوز براي آنها متعسر است و در اين صورت براي اخذ نتيجه و حصول به مقصود نسبت به اصلاح كار بانكها و فراغت خاطر ورثه از زحمت ساير طلبكاران تا يك درجه به طور موقت لازم است منجمله آقاي سالار امجد كه داماد آن مرحوم هستند شكايه دارند كه هر روز طلبكاران از قبيل نوكر و ناظر و متفرقه اسباب زحمت و هتكم آبرو و اشكالات مي شوند در صورتى كه قبل از فروش املاك آنها قادر بر تاديه قروض متفرقه كه يا زياد نيستند با اين تفصيل ناچار مرتب را به استحضار خاطر محترم مي رساند كه اگر تصويب فرمائيد يك ترتيبى براي اسكات طلبكاران تا يك مدت محدودى مثلاً دو ماه داده شود كه در ظرف اين مدت شايد اين مسائل صورت صلاح ييابد و اگر از عدليه اعظم هم مأموري براي اين كار مي رود عجله متعرض نباشند.

امضا: ناخوانا

سند شماره ۱۲

[منصورالتجار مستأجر قريه عمادآورد به محاكمات ۱۳۳۱ ق]

۲۲ شهر محرم الحرام

مقدمه منبع مبارک... رياست جليله محترم وزارت خارجه دامت

اجلاله العالی

در باب قريه عمادآورد چونكه در اداره جليله ملتزم و متعهد شدم كه بدون اطلاع وزارت خانه از بابت مال الاجاره قريه مزبور تنخواه سنه آتیه را به كسي ندهم و حال قنات آن يك پشته انداخته و بايد رفع خرابي آن بشود و امروزها جزئي مخارج دارد هرگاه مسامحه در تعمير آن بشود دور نيست چندي بعد مخارج كلي پيدا نمايد و رعيت هم به صدا درآمده مطالبه خسارات از بنده و اداره بنمايند استدعا آنكه يك نفر از طرف اداره جليله مقرر فرمايند تا با اطلاع آن شخص مغني [مقني] گذارده رفع خرابي بشود يا آنكه اجازه بفرمائيد كتباً به اطلاع كميسر زاويه مقدسه حضرت عبدالعظيم مقني گذارد چنانكه اجازه نفرمايند چهار صباح ديگر رعيت يا خود بنده مجبور است كه ادعای خسارات وارده را بنمايد و مورد مؤاخذه نخواهند بود امر امر مبارکست اقل منصورالتجار

ذيل نامه نوشته شده است: ضبط شود جواب روى پاكت نوشته فرستاده شد.

جوابيه نوشته در ۲۲ محرم ۱۳۳۱

قرار بود اجاره نامه خودتان را بياوريد يكماه است نياورده ايد روز

يكشنبه ۲۶ شهر حال

در زیر سند نوشته شده است: [به هر یکی از ورثه عمده بنویسد
و برای آقای عضد الملک حاشیه استناد خان حازن استناد] که در
تله متناهی [۱] به نوبت است و در تله نوشته شود.

اداره سالار السلطان به محاکمات [۱۳۳۱ ق.]

تذات شود رقیبه شریفه را زیارت نموده البته خراج شریف
منت است که در دای قروض برجده نایب السلطنه طاب ثراه و
حفظ مقام خانوادگی خود و سایر ورثه خودداری نداشته و تدارک
البت مسبق نمائید که برجده نایب السلطنه بیشتر از طلب بانک
شاهنشاهی و بانک روس از دیوان عالی طسکار بوده و این مدت به
این نوبه بوده به که این وجه وصول شده و به هر دو بانک داده شود و
دیگر آنکه به وجود قروض زیاد خود این بنده پارساله سه هزار تومان به
بانک شاهنشاهی داده و امساله نیز سه هزار تومان حواله داده ام یعنی
شش هزار تومان حواله شده است که به هر بانکی سه هزار تومان داده
شود مقصود این است که به وجود عده ورثه مافوق قدرت خود در
ادای طلب بانکها حاضر بوده و هستند ولی افسوس که قوه ختم و
فیصل آنها ندارند مگر اینکه حضرت عالی در وصول طلب مرحوم
نایب السلطنه از دیوان عالی بهسراهی و به واسطه اقدام حضرت عالی
مراحم حضرت اشرف آقای وزیر سر خارجه دامت شوکت اسباب
وصول طلب و ارسال به بانکها فراهم شود امید است که مضایقه
تقدیمه ارادتسند را قرین امتنان و تشکر فرمایند

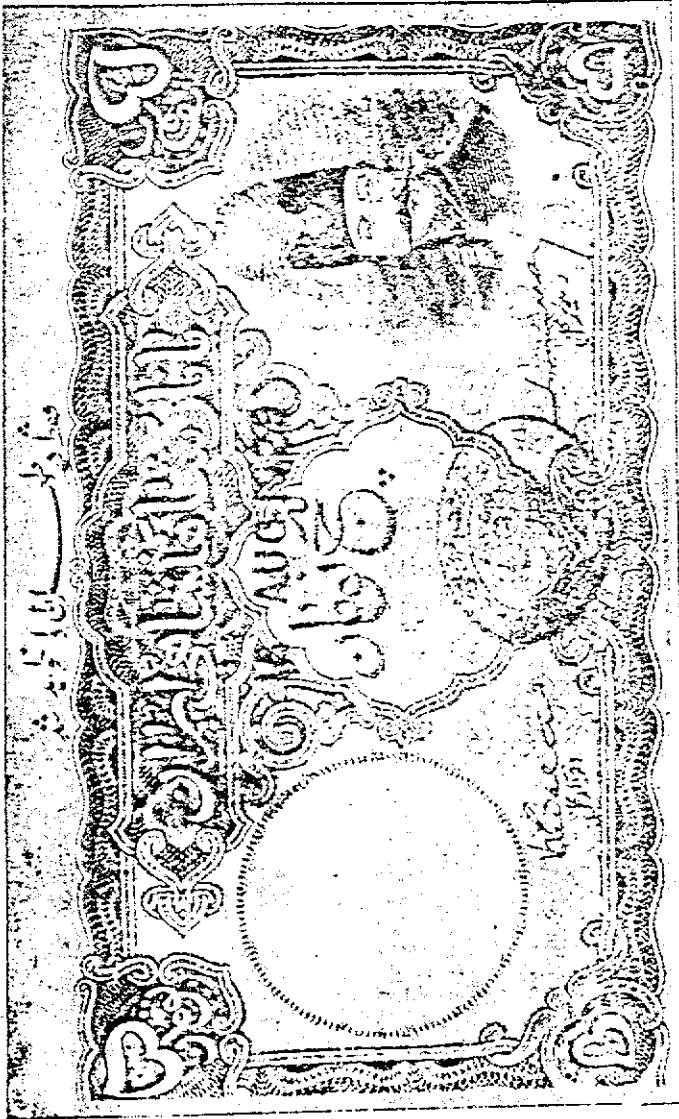
مصطفی خان

در حاشیه سند نوشته شده است: به خزانه داری کل نوشته شد.

[محاکمات به ورثه عضد الملک ۱۳۳۱ ق.]

نمره کتاب ثبت ۲۸۴۶ تاریخ خروج ۲۲ شوال ۱۳۳۱ به ورثه
مرحوم نایب السلطنه

آقای سالار السلطان، آقای رکن السلطان، اکرم الدوله عیال
ظهیر السلطنه، ارفع الدوله صبیبه مرحوم عضد الملک، عیال مرحوم
علاء الدوله، سرکار افخم الدوله، عیال سالار امجد برای رسیدگی به
ادعای طلب بانک استقراض از ورثه مرحوم مغفور عضد الملک
نایب السلطنه طاب ثراه روز شنبه دهم ذی القعدة ۱۳۳۱ سه ساعت
قبل از ظهر مجلسی در محاکمات وزارت امور خارجه تشکیل خواهد
شد نفدا لازمه است خود جنابعالی یا وکیل ثابت الوکاله خودتان در
روز و ساعت مزبور به محاکمات حضور بنیم رسانیده تا رسیدگی به
عمل آید.



۱۳۲۹
کدوم شهر محرم

۵
۲۹
۱۳۲۹

مترددت با حجاب برالمهم هم از در زانو برود

بدر
سوخ

مکر صورت همه مردم برود عهده ملک

سلام

۱۳۲۸
به بانک نشهر در روز ۲۸ شهریور محرم که نشهر در نشهر

بهمه آنچه به بانک
بهمه آنچه به بانک

چند سکه و خطه خواهند فرود آید تاریخ مرداد چهره نشهر

بدر
سوخ

ملین است نهایت شکر از شماست

قادر بر خست این طبع است با این سکه به هر چه در کار است

یا علی

سند شماره ۱



TELEGRAPHIC ADDRESS
'PERLEV'

The Imperial Bank of Persia.

Tehran, 10th January 1914.

33.

His Excellency

The Minister for Foreign Affairs.

T e h e r a n.

Your Excellency,

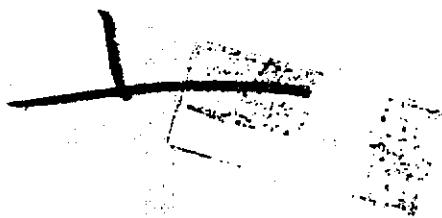
We have the honour to enclose herewith statement of the account of the late Regent, Azadul Mulk, to 31st December with interest, showing a balance in our favour of Krs:489,768.45:-- and we shall be much obliged if Your Excellency will give the necessary instructions for an immediate settlement.

rel. We have the honour to be,

Your Excellency's

humble obedient servants,

[Signature]
DEPUTY



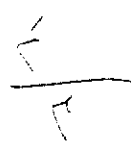
[Handwritten mark]

تاریخ ۹ شهریور ۱۳۲۹

شماره ۷۷۰

Tehran, le 1900

۶۶۵



(طهر -)

شرکت تلفن کل شاهک گروه ایران
خیابان نایب و مش

Administration Centrale des téléphones de Pers

لنجرتر

سرکار عالی عالی خانم اکرم الدوله دامت خدایها تعالیها را در مدح حضرت مکرر بیهوش و نایب السیاسة حضرت

کرده ام تا فرموده آن مرحوم را نداده اند و طبعاً بر ذراتی نگردیدند و تصرفی از قبیل فرستادن و اجاره و غیره در

منابتند و جبهه ندادند و بنایه تصرف نمایند و میروند بفرستند حضرت الخ

۸
۱۸



جنرال قونسولگری

اعلیحضرت امپراطوری کل ممالک روسیه

مقیم طهران

بتاریخ ۱۳ شهریور سنه ۱۳۳۱

مطابق ۶ آگوست ۱۹۱۳

نمره ۲۸۸

درابت بکات زرذکتینه امرایاره

باینکه امرای نیروران طلبین زر ذمه غرضه بکات نایب لایحه زرذکتینه امرایاره
 نینه امرایاره در ۷ بشان ۱۳۳۷ مطابق ۱۱ دکرست ۱۹۰۹
 علیه امرایاره رسیده و آن فدای وصول آنرا کم آن زرذکتینه امرایاره
 بردن آنرا رسیده درابت طلبه بکات نایب لایحه امرایاره
 که آنرا است رسیده نیر ذمه بکات نایب طلبه بکات نایب لایحه امرایاره
 در این لایحه زرذکتینه امرایاره جنرال قونسولگری



رجحان بکات نایب لایحه امرایاره
 وصبر و الصلح دارم

حبیب نام رقم شریف در زیارت نمودم بستمه فاجرترین تنگ است
 در دار قرضی بر حرم نایب سلطنت غالب زاده در حق تعالی فایده که خود را در
 خود دارد نوشته اندام در بستمه سبق همیشه که بر حرم نایب سلطنت پیشتر از
 طبع بگفتن این هر دو بگفتن روس از زبان بی طلبکار بستمه دانست
 بین می برده ایم که این بستمه در هر دو بگفتن مهر خود در کماله با وجود
 زاده خود این بنی بر سه ستمه هزار تان بگفتن این بستمه در هر دو بگفتن
 تان حال که هم نیز شش هزار تان حال بستمه در هر دو بگفتن هزار تان
 ستمه این است هر با وجود عدم قوه در شرف و فوق قدرت خود در دادار طلبی
 بستمه دستند و در جنس هر چه ختم و فیض آن ستمه دارند که بگفتن خستند در
 طبع بر حرم نایب سلطنت از زبان بی طلبکار بستمه در هر دو بگفتن در هر دو
 آثار در زیارت فاجره است که بستمه در هر دو بگفتن در هر دو بگفتن
 در سعادت بستمه در هر دو بگفتن در هر دو بگفتن در هر دو بگفتن

خانان
 در هر دو بگفتن